

 DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.3.5

صحیفه سجادیه و مضامین آن از دیدگاه عالمان شیعه قرن یازدهم تا چهاردهم -

محمد مهدی سلمان پور

علمی - ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۰ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، بهار ۱۴۰۰، ص ۴۹-۷۳

صحیفه سجادیه و مضامین آن از دیدگاه عالمان شیعه قرن یازدهم تا چهاردهم

محمد مهدی سلمان پور*

چکیده: نگارنده در این مقاله پس از مقدماتی در مورد صحیفه سجادیه شامل روایت و کتابت و اجازه و تألیف و شرح پیرامون صحیفه، دیدگاه‌های ۲۳ تن از محدثان و فقیهان شیعه از قرن ۱۱ تا قرن ۱۵ هجری قمری در مورد صحیفه را نقل می‌کند. در میان اینان، شخصیت‌های مشهور در کنار دیگر دانشورانی که کمتر شناخته شده‌اند، یاد شده است. برخی از افراد گروه اول مانند میرداماد، محمدتقی مجلسی، محمدباقر مجلسی، فیض کاشانی، حر عاملی، سیدعلی مدنی، وحید بهبهانی، میرزا ابوالقاسم قمی و گروه دوم مانند قاضی محمد یزدی، ماجد دشتکی و فاضل سراب هستند.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه (کتاب)؛ عالمان شیعه - قرن یازدهم تا پانزدهم؛ عالمان شیعه - توجه به صحیفه؛ دیدگاه‌ها در مورد صحیفه سجادیه.

*. محقق حوزه علمیه قم.

در عصر امامت امام سجاد و پس از شهادت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام، اوضاع نابسامان شیعیان فزونی یافت. عبدالملک بن مروان و ولید بن عبدالملک، دو حاکم جنایتکار اموی بودند که عمده دوران امامت امام زین العابدین در حکومت آنان سپری شده است. در روسیاهی آن دو، همین بس که حجاج بن یوسف، گناهی از گناهان آنان است. خونخواری که به فرموده امام باقر علیه السلام: شیعیان را به هر بهانه‌ای دستگیر می‌کرد و زندیق و کافر شمرده شدن در زمان او آسان‌تر از تشیع به شمار می‌رفت.^۱

در چنان شرایطی، بسیاری از مردم از دین خدا بیرون رفته و پس از آن، اندک اندک و بر اثر تلاش معصومین و شیعیان حقیقی ایشان، به عقائد حقه بازگشتند.^۲ روشن است که در آن زمانه دشوار، امکان قیام و حتی تعلیم و تربیت به آن سان که دیگر امامان انجام می‌دادند برای امام سجاد میسر نبود؛ آن حضرت در ابتدای امامت خود، از جانب پروردگار مأمور شده بود که «سکوت پیشه کند، در خانه بماند و تا هنگام شهادت خود به عبادت خداوند بپردازد».^۳ از همین رو، بسیاری از معارف الهی و آن چه را درصدد بیانش بود، در قالب دعا و صحیفه‌ای آسمانی به جای نهاد که بر اثر مجاهدات فراوان امامان و اصحاب خاصشان، از گزند زمانه در امان مانده و به ما نیز رسیده است. امام صادق علیه السلام بر حفظ صحیفه مواظبتی

۱. «وأخذهم بكل ظنه وتهمه حتى إن الرجل ليقال له زندیق أو كافر أحب إليه من أن يقال شيعة علي» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۴)

۲. چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «ارتد الناس بعد قتل الحسين علیه السلام الا ثلاثة: أبو خالد الكابلي، ويحيى بن أم الطويل، وجبير بن مطعم، ثم إن الناس لحقوا وكتروا.» (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۳۸؛ مفید، الإختصاص، ص ۶۴)

۳. «أطرق واصمت والزم منزلك واعبد ربك حتى يأتيك اليقين.» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۱؛ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۷۱؛ کمال الدین، ص ۲۳۲)

فراوان داشت و گاه نیز اوراقي از آن را به بعضی شیعیان خود برای رونویسی برخی دعاها عرضه می‌کرد.^۱

به گفته ابن شهر آشوب، صحیفه سجادیه، ششمین اثر تصنیف شده در اسلام است.^۲ علماء و بزرگان، همواره و در طول تاریخ به این اثر ارزشمند توجه ویژه‌ای داشته‌اند. اهتمام و توجه بزرگان به این کتاب، در محورهای مختلف تبلور یافته است. از جمله:

الف. روایت صحیفه، اجازات و نقل دعاهای آن:

از همان صدر اسلام، صحیفه شریف توسط عالمان روایت شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. سلسله اسناد متصلی که تا امام معصوم ادامه دارد و در هر قرن دانشمندانی نامدار را شامل می‌شود، گواه این سخن است.^۳

اهمیت ویژه عالمان شیعه به صحیفه سجادیه در اجازات حدیث نیز خود را نشان داده است. همین بس که به تعبیر آیت الله مرعشی نجفی: «نیازی به پرسش از جلالت این کتاب شریف نزد آنان نیست؛ و اساساً بعضی از ایشان، اجازه‌هایی را صرفاً در خصوص صحیفه سجادیه صادر می‌کردند.»^۴

همچنین شمار زیادی از محدثان در طول تاریخ، همچون شیخ طوسی، راوندی، ابن باقی، سید بن طاووس، شهید اول، کفعمی و... به دعاهای صحیفه توجه داشته و آن‌ها را در آثار دعایی خویش آورده‌اند.

۱. «عن مسعدة بن صدقة قال: سألت أبا عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام أن يعلمني دعاء أدعوه به في المهمات، فأخرج إلي أوراقا من صحيفة عتيقة، فقال: انتسخ ما فيها فهو دعاء جدی علی بن الحسين زين العابدين عليه السلام» (مفيد، الأمالی، ص ۲۳۹؛ طوسی، الأمالی، ص ۱۵)

۲. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۲۸.

۳. جهت اطلاع بیشتر بنگرید: حکیم، حاشیه الصحیفه السجادیة: محمد بن منصور بن ادريس حلی، صص ۲۵۹-۲۷۲.

۴. مشکات و مرعشی، مقدمتان توثیقتان حول الصحیفه السجادیة، ص ۴۶.

ب. کتابت نسخه‌های صحیفه:

دانشمندان اسلامی به کتابت نسخه صحیفه سجادیه نیز اهتمام ورزیده‌اند. علامه مجلسی از نسخه‌ای با تاریخ ۳۳۳ قمری سخن گفته^۱ و صاحب ریاض نیز نسخه به خط ابن مقلة (درگذشته ۳۲۸ ق) را مشاهده کرده است.^۲

پس از این سالها نیز در میان کسانی که از صحیفه سجادیه نسخه‌برداری کرده‌اند، نام عالمانی چون ابن ادریس، ابن سکون، سدیدالدین حلی، شهید اول، کفعمی، ابن ابی جمهور احسائی، شهید ثانی و... دیده می‌شود که گویای اهمیت خاص این امر نزد آن بزرگان بوده است.^۳

ج. شروع، ترجمه‌ها و استدراکات صحیفه:

توجه خاص دانشمندان شیعی در طول تاریخ به صحیفه مقدس امام زین العابدین، ده‌ها شرح و حاشیه بر این اثر ارزشمند را پدید آورده است. در کتاب الذریعة بیش از شصت مورد آن معرفی شده است.^۴ نام بزرگانی چون ابن ادریس، کفعمی، محقق کرکی، شیخ بهائی، فیض کاشانی، علامه مجلسی اول و دوم و بسیاری دیگر در میان نویسندگان این آثار به چشم می‌خورد.

جالب توجه است که اهتمام به ترجمه فارسی صحیفه نیز قدمتی به درازای حدود هزار سال دارد. دست‌نویسی در کربلا از اوائل قرن ششم و سه دست نویس دیگر در ایران از قرن هشتم^۵، نشان دهنده این است که در ایران آن روزگار نیز صحیفه سجادیه رواج داشته و احساس نیاز به بهره‌فارسی زبانان از آن، موجب ترجمه این

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۶.

۲. طهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: حافظیان، عالمان صحیفه نگار، صص ۱۰۹ - ۱۱۶.

۴. طهرانی، الذریعة، ج ۱۳، صص ۳۴۵ - ۳۵۹؛ ج ۶، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۵. حکیم، همان، صص ۲۸۰ - ۲۸۲. سوگمندانۀ چنان که نویسنده فاضل خاطر نشان کرده‌اند، پس از حمله آمریکا به عراق، از سرنوشت دست‌نویس قرن ششم اطلاعی در دست نیست.

کتاب شده است.

همچنین، با توجه به این که دعاهایی از امام سجاده علیه السلام وجود دارد که در صحیفه نیامده است، بعضی بزرگان به نگارش صحیفه‌هایی دیگر اقدام کرده و آن‌ها را صحیفه سجادیه دوم، سوم، تا هشتم نامیده‌اند. صحیفه دوم از شیخ حرّ عاملی، صحیفه سوم از افندی اصفهانی، چهارم از محدّث نوری و پنجم از سیدمحسن امین عاملی است. صحیفه ششم در الذریعة از آن شیخ محمدصالح مازندرانی حائری دانسته شده^۱، اما آیت‌الله مرعشی در مقدمه خود بر صحیفه سجادیه، نویسنده آن را شیخ محمدباقر بیرجندی قائنی دانسته است. آیت‌الله مرعشی همچنین صحیفه هفتم و هشتم را به ترتیب نگارش شیخ هادی آل کاشف الغطاء و میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی برشمرده است.^۲

لازم به یادآوری است که افندی اصفهانی در تعلیقات خود بر أمل الأمل شیخ حرّ عاملی، چنین آورده که پیش از شیخ حرّ، گروهی از علماء کتابی مانند صحیفه سجادیه دوم را تألیف کرده بودند که نسخه‌های کهن برخی از آن کتب نزد ماست. سپس افندی بعضی از متقدمان را که چنین آثاری داشتند نام می‌برد.^۳

د. اظهار نظراتی درباره صحیفه سجادیه:

صرف نظر از تمام آن چه گفته شد، بسیاری از عالمان بزرگ شیعه اظهار نظرات خاص و ارزشمندی را درباره صحیفه سجادیه از خود به یادگار گذاشته‌اند. عمده این سخنان به مضامین والای صحیفه و تواتر آن مربوط می‌شود. در این نوشتار ۲۳

۱. طهرانی، الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۱.

۲. مشکات و مرعشی، همان، ص ۴۹.

۳. افندی اصفهانی، تعلیقة أمل الأمل، ص ۶۶. آیت‌الله مرعشی نجفی نیز فرموده است که کتابی با نام «ملحقات الصحیفة»، اثر شیخ محمد بن مظفر زیابادی قزوینی - از شاگردان بزرگ شیخ بهائی - یافته که در ۱۰۲۳ نگاشته شده و شامل دعاهایی از امام سجاده علیه السلام است که جزء دعاهای صحیفه سجادیه نمی‌باشد. (بنگرید: مشکات و مرعشی، همان، ص ۴۹)

مورد از نظرات دانشمندان قرن یازدهم تا پانزدهم گردآوری و ارائه شده است، با این توضیح که این فهرست به معنای استقصای تام نیست و تنها به دلیل محدودیت صفحات مقاله به گزینش تن دادیم، بدان امید که در فرصتی دیگر بخشی دیگر از نکات دانشوران شیعی در باره این گنجینه اسمانی را بازگوییم.

صحیفه سجادیه و مضامین آن از دیدگاه برخی از عالمان شیعه قرن ۱۱ تا ۱۵
۱. میرداماد (در گذشته ۱۰۴۱):

میرداماد کتابی مستقل و مفصل در شرح صحیفه سجادیه دارد. او در مقدمه این کتاب درباره صحیفه چنین می نویسد:

«الصحيفة الكريمة السجادية، المسماة انجيل اهل البيت و زبور آل الرسول متواترة، كما سائر الكتب في نسبتها إلى مصنفها، و ذكر الأسناد لبيان طريق حمل الرواية، و إجازة تحمل النقل، و ذلك سنن المشايخ في الإجازات... أسانيد طرق المشيخة رضوان الله تعالى عليهم في روايتهم للصحيفة الكاملة المكرمة متواترة و تحملهم لنقلها مختلفة»^۱

صحیفه کریمه سجادیه که انجیل اهل بیت و زبور آل رسول نام دارد، نسبتش به مؤلفش مانند کتب دیگر متواتر است؛ ذکر اسناد آن نیز برای طریق فراگیری روایت و اجازة شنیدن حدیث است و این سنت مشایخ در اجازاتشان بوده است... اسانید طرق مشایخ که رضوان خدا بر آنان باد، در روایت صحیفه سجادیه متواتر بوده و فراگیری این کتاب توسط آنان از راه هایی متعدد است.

۲. علامه محمد تقی مجلسی (در گذشته ۱۰۷۰):

شیخ محمد تقی مجلسی، ملقب به علامه مجلسی اول، از پرکارترین عالمان امامیه در زمینه صحیفه مبارکه سجادیه است. فرزند بزرگوار ایشان، علامه محمد باقر مجلسی، فرموده که پدرم پنجاه سال برای تصحیح و ترویج صحیفه کار کرد و

۱. میرداماد، شرح الصحیفة السجادیة الكاملة، ص ۵۶.

هر سال این عمل را تکرار می‌کرد تا نسخ تصحیح شده در همه بلاد بسیار شد. بلکه خانه‌ای نبود جز آن که در آن نسخه‌های متعددی یافت می‌شد، در حالی که پیش از آن، گاه در یک شهر، حتی یک نسخه یافت نمی‌شد.^۱

از علامه مجلسی اول، سخنان بسیار در وصف صحیفه سجادیه در دست است که به عنوان نمونه تنها به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

الف) «ودعواته صلوات الله علیه تدلّ علی کمالاته سیمای الصحیفة الکاملة الملقب بزبور داود آل محمد ﷺ و انجیل اهل البیت علیهم السلام، كما ألقیا علی لسان داود وعیسی بن مریم علیهما السلام ألقیت الصحیفة من الله تعالی علی لسانه»^۲

دعاهای آن حضرت، که صلوات خدا بر او باد، خصوصاً صحیفه سجادیه که ملقب به زبور آل محمد و انجیل اهل بیت است دلالت بر کمالات ایشان دارد. همانطور که زبور و انجیل به داود و عیسی الهام شدند، صحیفه نیز از جانب خدا بر زبان امام سجاد القا شد.

ب) در اجازه‌ای به خط مبارک خودشان، پس از ذکر ده‌ها سند برای صحیفه چنین فرموده‌اند:

«والذی رأیت من أسانید الصحیفة بغیر هذه الأسانید فهی أكثر من أن تحصی، ولا شك لنا فی أنها من سید الساجدین، أما من جهة الاسناد فإنها كالقرآن المجید وهی متواترة من طرق الزیدية أيضاً، وأما من حيث العبارة فهی أظهر من أن یذكر؛ فهو كالقرآن المجید فی نهاية الفصاحة، وأما من جهة الإحاطة بالعلوم الإلهیة فهو أيضاً ظاهر لمن كان له أدنی معرفة بالعلوم»^۳

آن چه من از سندهای صحیفه به غیر از این اسانید دیده‌ام، از حدّ شمارش بیرون است. برای ما هیچ تردیدی نیست که صحیفه از امام سجاد است؛ از جهت اسناد

۱. محمدباقر مجلسی، الفرائد الطریفة، ص ۵.

۲. محمد تقی مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۳، ص ۲۶۴ - ۲۶۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۵۹.

مانند قرآن مجید است و حتی از طرق زیدیه نیز متواتر است. از جهت عبارت نیز، آشکارتر از بیان است و مانند قرآن مجید در نهایت فصاحت می‌باشد. اما از جهت احاطه به علوم الهی نیز این امر برای کسی که کمترین آشنایی با علوم داشته باشد روشن است.

(ج) «ويحتمل أن تكون منزلة من السماء على رسول الله ﷺ، ولما كان الظهور على يده ﷺ صارت منسوبة إليه.»^۱

محتمل است که صحیفه از آسمان بر پیامبر خدا نازل شده و نظر به آن که ظهورش به دست امام سجاده علیه السلام بوده، به آن حضرت نسبت داده شده است.

(د) «والذی وصل إلى مناوله و وجادة فهو أكثر من أن تحصى، علی أن متنها سندها كالقرآن المجید، باشمالها علی العلوم الإلهیة مع أقصى مراتب الفصاحة والبلاغة، كما لا يخفى علی من له أدنی ربط بعلم العربیة.»^۲

آنچه [از اسناد صحیفه سجادیه] از طریق مناوله و وجاده توضیح این دو کلمه در پانویس به من رسیده، بیش از حدّ شمارش است. علاوه بر این، متن آن مانند قرآن کریم، خودش سندش محسوب می‌شود، به این دلیل که علوم الهی را در بر دارد و در نهایت مراتب فصاحت و بلاغت است؛ چنان که این امر، بر هیچ کس که کمترین ارتباطی با زبان عربی داشته باشد پوشیده نیست.

(ه) مجلسی اول همچنین کتاب مستقلی نیز در شرح صحیفه سجادیه تألیف کرده است. ایشان در بخشی از آن کتاب می‌نویسد:

«فإنّها بذاتها شاهدة علی أنّها من الله تبارک و تعالی باشمالها علی المعارف الإلهیة والحقائق المصطفویة والأسرار المرتضویة والمکاشفات الحسینیة والمشاهدات الحسینیة، بل هو البحر الزاخر الذی

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ص ۶۱.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ص ۸۳.

لا ينزح ماؤه والسحاب الماطر الذي لا ينقطع مواده، و لا يبلغ وصف الواصفين أدنى فضائلها، و لا يصل إيدى الحامدين إلى أقل مراتب فواضلها»^۱

صحیفه سجادیه به خودی خود، شاهدهی است بر این که از جانب خدای متعال است، به دلیل آن که شامل معارف الهی، حقائق مصطفوی، اسرار مرتضوی، مکاشفات حسنی و مشاهدات حسینی است. بلکه این کتاب دریایی سرشار است که آب آن فرو نمی‌نشیند و ابری باران‌زا است که باران آن پایان نمی‌پذیرد، توصیف و صف‌کنندگان حتی به کمترین کمترین فضائلش و دست‌ستایشگران به کمترین مرتبه فضیلت آن هم نخواهد رسید.

(و ایشان همچنین در بیان طرق روایی خود به صحیفه سجادیه، پس از بیان طرقی متعدد می‌نویسد:

«إلى غير ذلك من الطرق الكثيرة التي تزيد على الآلاف والألوف، وإن كان ما ذكرته مع جازته يرتقى إلى ست مائة طريق عالية»^۲

همچنین طرقی دیگر و بسیار غیر از این‌ها [به صحیفه دارم]، که بیش از هزاران هزار است؛ اگرچه همین‌ها که من آورده‌ام نیز با وجود اختصارش به ششصد طریق عالی می‌رسد.

۳. قاضی بن کاشف الدین محمد یزدی (درگذشته ۱۰۷۵):

«الصحيفة الكاملة السجادية، الملقب بزبور أهل بيت الرسالة، و هو مستغن في الأرباع كالشمس عن التوصيف و مستفيض في الأصقاع بلقبه الشريف، يكون كاشفاً للنقاب عن وجوه مبانيه الشريفة، و مميّطاً للحجاب عن خرائد معانيه المنفية، و حائزاً لفوائد لم يحم حولها أنظار المتقدمين و فرائد لم يرتع بجيالها أفكار المتأخرين.»^۳

۱. محمدتقی مجلسی، شرح الصحیفة السجادیة، ص ۳۳ - ۳۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۴۷.

۳. یزدی، التحفة الرضویة للصحیفة السجادیة، ص ۵۲.

صحیفه سجادیه ملقب به زبور اهل بیت رسالت است، مانند خورشید در همه جا از توصیف بی‌نیاز است و در همه نواحی با لقب شریفش منتشر و مشهور است، نقاب را از وجوه مبانی شریف خود و مروارید پرده‌های معانی والایش را کنار می‌زند، فوایدی را گرد آورده که آراء متقدمان به پیرامون آن دست نیافته و گوهرهایی را در بردارد که افکار متاخران به آن نرسیده است.

۴. فیض کاشانی (درگذشته ۱۰۹۱):

ایشان صاحب اثری با عنوان «شرح الصحیفة السجادیة» است. در ابتدای این کتاب، پس از آن که لقب زبور اهل بیت و انجیل آل محمد را به صحیفه می‌دهد، چنین می‌گوید:

«نقل الصحیفة هذه متواترة عن سيد العابدين صلوات الله و سلامه عليه كسائر الكتب المنسوبة إلى مصنفیها. و إنما ذكر الأسناد لبيان طرق تحمّل الرواية و اجازة النقل. و لكل من شیوخنا طریق فی روایتها و نقلها عن مشیختهم بإسناد متصل إلى الإمام عليه السلام»^۱

نقل این صحیفه از سرور عابدان که صلوات و سلام خدا بر او باد، متواتر است. مانند نسبت کتب دیگر به مصنفان آنها. ذکر اسناد تنها به انگیزه بیان راه‌های فراگیری روایت و اجازة نقل است. هر یک از اساتید ما طریقی در روایت صحیفه داشته‌اند و آن را از اساتید خود، با سند متصل تا امام سجاده علیه السلام نقل می‌کردند.

۵. ماجد بن جمال الدین محمد حسینی دشتکی (قرن یازدهم):

ایشان در اجازة روایت صحیفه سجادیه به ملا «رفیعا یا شفیعا؟» (مولی محمد شفیع بن مولی فرج جیلانی رشتی) درباره صحیفه سجادیه می‌نویسد:

«الحمد لله الذی شرح بصحیفة الدعاء الكامل صدور العباد، و نور بها قلوبهم تنویراً، وجعلها

۱. فیض کاشانی، تعلیقات علی الصحیفة السجادیة، ص ۱۱ و ۱۲. لازم به ذکر است که فیض کاشانی، خود نام این اثر را با عنوان «شرح الصحیفة السجادیة» آورده است. بنگرید: فیض کاشانی، فهرست‌های خود نوشت فیض کاشانی، ص ۸۶.

حلیة السنّاک و زین العباد، و فجر لهم ینابیع الرحمة من خلالها تفجیراً.»

سپاس خدایی را که با صحیفه کامل دعا (صحیفه سجادیه)، سینه‌های بندگان را گشاده کرد و قلب‌هایشان را به واسطه آن نورانی نمود و آن صحیفه را زینت پرهیزگاران و عابدان قرار داد و از میان آن، چشمه‌های رحمت را برای آنان روان ساخت.

سپس در وصف صحیفه سجادیه می‌نویسد:

«کنز مدخور بغرر الدعوات و زواهرها، و بحر مسجور من درر الأذکار و جواهرها، مفتاح لأبواب الخیر و الفلاح مصباح یتهدی بنوره إلى طرق الفوز والنجاح، تستجمع بها شوارد المواهب و النعم، و تستدفع بها شدائد النوائب و النقم، یزداد بها الداعی زلفی عند الله سبحانه و کرامه، و ینال بها فی الأولى و الآخرة مطلبه و مرامه.

وقد اشتهر اتّصالها بمنشئها الذی هو منشئ الفصاحة و مظهرها، و مورد البلاغة و مصدرها، و جمع الولاية و مخزنها، و منبع الهدایة و معدنها، اشتهاراً أغناها عن مدّ سلاسل العنونة و الاسناد، و أخرجها إلى حدّ التواتر عن حیز الأحاد.»^۱

گنجینه‌ای است مشتمل بر دعا‌های برگزیده و درخشان، و دریایی است سرشار از مرواریدها و گوهرهای ذکر، کلیدی است برای درب‌های نیکی و رستگاری، چراغی است که نور آن راهبر به کامیابی و مرادمندی است، بخشش‌ها و نعمت‌هایی شگفت در آن گرد هم آمده و بازدارنده از سختی‌ها و مصیبت‌هاست. آن کس که در دعا از آن بهره ببرد، کرامت و تقرّبش به خداوند افزون خواهد شد و در دنیا و آخرت به خواست و مقصودش خواهد رسید.

آغاز کننده و گوینده آن، خود ابداع کننده فصاحت و تجلّی‌گاه آن بوده است، او سرچشمه بلاغت و اصل آن، گردگاه و گنجینه ولایت، بُن‌مایه و معدن هدایت بوده

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۷، ص ۹۵ - ۹۶.

است. نسبت متصل صحیفه سجادیه به ایشان، آن چنان مشهور است که آن را از سلسله اسناد بی‌نیاز کرده و از سطح خبر واحد به حد تواتر رسانده است.
۶. شیخ حرّ عاملی (در گذشته ۱۱۰۴):

ایشان در کتاب الفوائد الطوسیه می‌نویسد:

«وهذه أدعية الصحيفة الكاملة و كتابة الباقر عليه السلام لها بإملاء أبيه عليه السلام إياها و كتابة زيد بن علي لها بإملاء أبيه مشهورة متواترة و مقابلتها مذكورة مروية.»^۱
دعاهای صحیفه کامله سجادیه و نگارش آن توسط امام باقر عليه السلام به املاى پدر بزرگوارشان، و همچنین نگارش آن توسط زيد بن علي به املاى پدرشان عليه السلام مشهور و متواتر است، و مقابله نمودن آن نیز یاد و روایت شده است.
همچنین در کتاب «هداية الأمة» می‌نویسد:

«قد وصل إلينا أيضا كتب كثيرة قد ألّفت و جمعت فى زمانهم عليهم السلام فى الغيبة الصغرى نذكر بعضها هنا، وهى ثلاثة أقسام:

الأول: ما هو عندنا معتمد ثابت و لم ننقل منه، لقلّة ما فيه من نصوص الأحكام الفرعية النظرية. فمنها: الصحيفة الكاملة عن مولانا على بن الحسين عليه السلام، فقد كتبها الباقر عليه السلام و أخوه زيد بخطّهما، و قوبلت، و أسانيدها مشهورة.»^۲

همچنین کتاب‌های بسیاری به ما رسیده که در زمان امامان عليهم السلام و در غیبت صغری تألیف و تدوین شده است؛ برخی از آنها را یادآور می‌شویم که بر سه قسم هستند: نخست: آنچه نزد ما ثابت و مورد اعتماد است و از آن چیزی نقل ننموده‌ایم، به این دلیل که نصوص احکام فرعی و نظری در آن ناچیز و کم است. از آن جمله است صحیفه کامله از مولای ما علی بن الحسين عليه السلام، که امام باقر عليه السلام و برادرش

۱. حرّ عاملی، الفوائد الطوسیه، ص ۲۴۶.

۲. هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة، ج ۸، ص ۵۴۹.

زید به خط خود آن را نوشتند و مقابله نیز شده است. اسانید این کتاب مشهور است.

لازم به ذکر است که شیخ حرّ عاملی، بارها هنگام نام بردن از صحیفه سجادیه چنین فرموده که سند آن مشهورتر از آن است که بخواهد ذکر شود.^۱
۷. شیخ علی صغیر عاملی (زنده در ۱۱۰۴):

ایشان ذیل عنوان «طرق رواية الصحيفة السجادية» گفته است:

«هذا و قد تكاثرت الاخبار و تضافرت الروایات للصحيفة السجادية عن سيدنا زين العابدين و امام المتقين علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب عليهم افضل الصلاة والسلام، و من تتبع الفاظها و وصل إلى بعض من رياض معانيها و وقف علی ما اشتملت عليه من الحكم والاحكام في محكم مبانيها و وجد قريب الإجابة من تلاوتها و سعادة من يتداولها في عبادته و يعاينها، دلّه العقل الهادی باللطف البادی علی أنّها روضة من ذلك النادی و رحمة من فيض هذا الوادی»^۲
اخبار و روایات صحیفه سجادیه از سرور ما زین العابدین و پیشوای پرهیزکاران، علی بن حسین بن علی بن ابی طالب - که برترین صلوات و سلام بر آنان باد- فراوان و پیوسته است. هر کس در الفاظ صحیفه جست و جو کند، به برخی از گلزارهای معانی آن برسد، بر مبانی محکم این کتاب که در بردارنده حکمت‌ها و احکام است، آگاه گردد، اجابت زودهنگام را با تلاوت آن دریابد و نیک‌بختی آن را که در عبادتش به آن عادت دارد مشاهده کند، به لطف پروردگار عقل او را راهنمایی می‌کند که این بوستان (صحیفه سجادیه) از آن محفل و رحمتی از لطف این جایگاه است.

۱. بنگرید: اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۱، صص ۱۲۵ و ۲۷۴؛ ج ۴، صص ۱۰۱ و ۱۴۶.

۲. صغیر عاملی، شرح الصحیفه السجادیة، ص ۲۹-۳۰.

۸. علامه محمدباقر مجلسی (در گذشته ۱۱۱۰):

ایشان در کتاب حق الیقین می‌نویسد:

«صحیفه کامله که به کتب سماویه شبیه است و معلوم است که به الهام الهی بر زبان معجز بیان او جاری گردیده و به این سبب، او را به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد ملقب ساخته‌اند.»^۱

علامه مجلسی همچنین کتابی مستقل در شرح صحیفه سجاده نیز تألیف کرده است. ایشان در این اثر که «الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة الشریفة» نام دارد، درباره صحیفه نوشته است:

«الصحیفة السجادية الملقبة بانجیل اهل البيت و زبور آل محمد صلوات الله علیهم أجمعین، لخروجها عن طوق قدرة الأنام و مضاهاتها لأسالیب الوحي والإلهام، من أعظم الدعوات المأثورة شأناً، و أفصحها بياناً و أصحها سنداً و أضبطها متنأً و أشملها للمطالب و أوعاها للمآرب.»^۲

صحیفه سجاده ملقب به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد است که صلوات خدا بر همه آنان باد. چرا که این کتاب از توان مردم عادی بیرون است و با اسلوب وحی و الهام پهلوی می‌زند؛ از لحاظ شأن و منزلت، از عظیم‌ترین دعاهاست، از لحاظ بیان فصیح‌ترین آن‌ها، از لحاظ سند صحیح‌ترین آن‌ها و از لحاظ متن دقیق‌ترین نشان و از لحاظ اندیشه و استواری برترین آن‌ها به شمار می‌آید.

علامه مجلسی همچنین در همین کتاب فرموده است:

«أما لإشتهارها مستفیضة بل متواترة معلومة الصدور عمّن ألهمها صلوات الله علیه»^۳

صحیفه سجاده به دلیل شهرتش، مستفیض و بلکه متواتر است. و صدور آن از کسی که این کتاب به او الهام شده، روشن است. صلوات خدا بر او باد.

۱. محمدباقر مجلسی، حق الیقین، ص ۲۸۸.

۲. محمدباقر مجلسی، الفوائد الطریفة، ص ۴-۵.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ص ۸.

۹. سید نعمت الله جزائری (درگذشته ۱۱۱۲):

ایشان در آغاز شرح خود بر صحیفه موسوم به نور الأنوار می نویسد: «إن للوصول إلى جناب قربه تعالى طرائق متعدّدة، و وسائل متبَدّدة، و كان أوضحها سبيلاً و برهاناً و أعلاها شرفاً و مكاناً، سلوك محجة الدعوات المروية والولوع بما انطوت عليه، الصحيفة السجادية»^۱

برای رسیدن به قُرب پروردگار، راه‌هایی متعدد و وسائلی پراکنده و مختلف وجود دارد. واضح‌ترین مسیر و برهان، برترین شرافت و جایگاه، پیمودن راه روشن دعاهای روایت شده و شیفتگی و میل به آن حقایق است که صحیفه سجادیه در بر دارد.

۱۰. سید علی خان مدنی شیرازی (درگذشته ۱۱۲۰):

سید علی خان مدنی، صاحب کتاب ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین است که از ارزشمندترین شروح صحیفه سجادیه می‌باشد. ایشان در آن کتاب نوشته است:

«واعلم: أنّ هذه الصحيفة الشريفة عليها مسحة من العلم الإلهي، وفيها عبقة من الكلام النبوي، كيف لا وهي قبس من نور مشكاة الرسالة ونفحة من شميم رياض الإمامة، حتى قال بعض العارفين: إنّها تجرى مجرى التنزيلات السماوية، وتسير مسير الصحف اللوحية والعرشية، لما اشتملت عليه من أنوار حقائق المعرفة وثمار حدائق الحكمة. وكان أحبار العلماء وجهابذة القدماء من السلف الصالح يلقبونها بزبور آل محمد ﷺ، وإنجيل أهل البيت عليهم السلام»^۲

بدان که این صحیفه شریف، اثری آشکار از علم الهی است و عطر کلام نبوی در آن وجود دارد. چگونه چنین نباشد، حال آن که این اثر پرتوی از نور چراغ رسالت و وزشی از رایحه خوش گلزارهای امامت است. حتی بعضی عارفان گفته‌اند

۱. جزائری، نور الأنوار، ص ۵.

۲. مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۱ ص ۵۱.

که این کتاب در مجری و ردیف و مسیر کتب آسمانی و صحیفه‌های لوحی و عرشی قرار دارد. چرا که دربردارنده نورهای حقایق معرفت و میوه‌های باغ‌های حکمت است. دانشمندان و عالمان دانشمند و پیشینیان صالحی که در گذشته بودند، لقب زبور آل محمد و انجیل اهل بیت را به صحیفه سجادیه داده‌اند.

۱۱. فاضل سراب (در گذشته ۱۱۲۴):

ملا محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، مشهور به فاضل سراب، در رساله خود درباره نماز جمعه چنین نوشته است:

«الصحيفة الكاملة التي كونها من كلام علي بن الحسين عليه السلام في غاية الوضوح بلا حاجة إلى السند؛ فعدم قوة السند المنقول في أولها لا يضترّ الحكم بكونها منه عليه السلام.»^۱

صحیفه کامله که نسبت آن به امام سجاده علیه السلام در نهایت آشکاری و روشنی است و هیچ احتیاجی به سند ندارد؛ عدم قوت سندی که در ابتدای صحیفه آمده نیز به داوری درباره صحت نسبت این کتاب به امام علیه السلام آسیب و خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

۱۲. عبدالحی رضوی کاشانی (قرن دوازدهم):

عبدالحی رضوی کاشانی در رساله خود در نفی وجوب عینی نماز جمعه، عین کلام فاضل سراب را - که در مورد گذشته نقل شد - بیان کرده است.^۲

۱۳. وحید بهبهانی (در گذشته ۱۲۰۵):

مجدد مذهب، استادالکل، وحید بهبهانی، تصریحاتی پرشمار درباره صحیفه سجادیه دارد که به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

(الف) «...و فی «الصحيفة السجادية»، التي من المعصوم عليه السلام يقيناً، من جهة التواتر و نهاية

۱. جعفریان، دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی، ص ۵۲۲.

۲. جعفریان، همان، ص ۵۷۸.

الفصاحة و البلاغة الخارجة عن طوق غيره»^۱

صحیفه سجادیه یقیناً از معصوم علیه السلام است؛ چرا که متواتر است و در نهایت فصاحت و بلاغت قرار دارد که چنین امری از توانایی غیر معصوم بیرون است. (ب) «الصحيفة السجادية مع كونها من المتواتر عند الاثنى عشرية و الزيدية، متنها ممّا لا يمكن من غيره عليه السلام»^۲

صحیفه سجادیه، علاوه بر آن که نزد شیعیان اثنی عشری و زیدی متواتر است، متنش نیز به نحوی است که امکان ندارد از فردی غیر از امام سجاد علیه السلام باشد. (ج) «الصحيفة السجادية المتواترة بين الشيعة و الزيدية و أهل السنة أمّا من المعصوم عليه السلام، مع أنّ متن الأدعية ينادى بأعلى صوت أمّا منه»^۳

نسبت صحیفه سجادیه به امام معصوم علیه السلام، بین شیعیان و زیدی‌ها و اهل سنت متواتر است. علاوه بر آن، متن دعاها با آوازی بلند ندا می‌دهد که از امام علیه السلام است. (د) در بحث از قرائن خارج از سند که موجب حجیت خبر هستند می‌نویسد:

«أو يكون في متنه ما يشهد بكونه من الأئمة مثل خطب نهج البلاغة ونظائرها والصحيفة السجادية ودعاء أبي حمزة والزيارة الجامعة الكبيرة»^۴
یا این که در متن خبر مطالبی باشد که نشان دهد که آن خبر از امامان است؛ مانند خطبه‌های نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و دعای ابی حمزه و زیارت جامعه کبیره.

۱۴. میرزا ابوالقاسم قمی (در گذشته ۱۲۳۱):

«أنّ الفصاحة إذا أوجب العلم بكون الكلام عن المعصوم عليه السلام أو الظنّ المتأخّم كما يظهر من

۱. وحید بهبهانی، مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲. وحید بهبهانی، همان، ص ۳۹۰.

۳. وحید بهبهانی، الحاشیة علی مدارک الأحكام، ج ۳، ص ۱۷۹.

۴. وحید بهبهانی، تعلیقة علی منهج المقال، ص ۳۴؛ الفوائد الرجالية، ص ۶۰.

ملاحظه نهج البلاغة والصحيفة السجادية عليه السلام و سائر كلمات أمير المؤمنين عليه الصلاة والسلام فمدخليته واضحة»^۱

هنگامی که فصاحت کلام، علم یا ظن متأخم به علم به این امر را به دست دهد که آن سخن از معصوم است، همان گونه که از ملاحظه نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و سایر کلمات امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام آشکار می‌شود، در چنین حالتی نقش فصاحت [در ترجیح روایات] واضح خواهد بود.

ایشان همچنین در باب مرجحات متنی می‌نویسد:

«أنّ الفصاحة إذا كانت مما يستبعد صدورها عن غير مثلهم عليه السلام كعبارات نهج البلاغة و الصحيفة السجادية عليه السلام و بعض كلماتهم الأخر من الخطب والأدعية، فلا ريب أنه من المرجحات، بل من أقواها»^۲

در سخنانی که صدورش از غیر اهل بیت بعید است، مانند عبارات نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و برخی از خطبه‌ها و دعا‌های دیگر آن بزرگواران، تردیدی نیست که فصاحت، یکی از اسباب ترجیح روایات خواهد بود، بلکه از قوی‌ترین آن‌ها است.

۱۵. سیدعبدالله شبّر (در گذشته ۱۲۴۲):

سیدعبدالله شبّر در شرحی که بر زیارت جامعه نوشته، مطلبی در خصوص بی‌نیازی این زیارت شریف از سند گفته و در ضمن آن به صحیفه سجادیه نیز اشاره کرده است:

«أنّ هذه الزيارة قد رواها جملة من أساطين الدين وحملة علوم الأئمة الطاهرين. وقد اشتهرت بين الشيعة الأبرار، اشتهار الشمس في رابعة النهار. وجواهر مبانيها وأنوار معانيها دلائل حق وشواهد صدق على صدورهم عن صدور حملة العلوم الربانية وأرباب الأسرار الفرقانية، المخلوقين من الأنوار

۱. قمی، القوانین المحکمة فی الأصول، ج ۴، ص ۵۱۲.

۲. قمی، همان، ص ۶۰۰ و ۶۰۱.

الإلهية؛ فهي كسائر كلامهم الذي يغني فصاحة مضمونه وبلاغة مشحونة عن ملاحظة سنده كنهج البلاغة والصحيفة السجادية وأكثر الدعوات والمناجاة»^۱

این روایت را گروهی از بزرگان دین و حاملان علوم امامان پاک‌نهاد روایت کرده‌اند. بین شیعیان همچون خورشید در نیمه روز مشهور است. گوهر مبانی و نور معانی آن، دلائلی حق و شواهدی راستین است بر آنکه این زیارت از حاملان علوم ربّانی و صاحبان اسرار فرقانی صادر شده که از نور الهی خلق شده‌اند. پس مانند دیگر کلمات آنان است که فصاحت درون‌مایه و بلاغت سرشار آن موجب بی‌نیازی از سندش است. مانند نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و بیشتر دعاها و مناجات.

۱۶. شیخ علی کاشف الغطاء (درگذشته ۱۲۵۳):

این فقیه بزرگ امامیه که مدتی نیز مرجعیت عام شیعه را عهده‌دار بوده^۲ گفته است:

«مراتب الفصاحة والبلاغة متعددة أعلاها، البالغ حد الإعجاز؛ وهو مختصّ بالكتاب الكريم، وأنزل من ذلك مرتبة ثانية لا تصدر من غير المعصوم؛ كبعض خطب نهج البلاغة وبعض من أدعية الصحيفة العلوية والصحيفة السجادية»^۳

مراتب فصاحت و بلاغت گوناگون است؛ برترین آنها به حدّ معجزه می‌رسد که مخصوص کتاب خداست، و مرتبه دوم و بعد از آن، مطالبی است که صدور آن از غیر معصوم امکان‌پذیر نیست؛ مانند برخی خطبه‌های نهج البلاغه و بعضی از دعاها و صحیفه علویه و صحیفه سجادیه.

۱. شبر، الأنوار الامة في شرح الزيارة الجامعة، ص ۳۱.

۲. پس از رحلت شیخ موسی کاشف الغطاء، مرجعیت عامه شیعیان بین شیخ علی و صاحب جواهر مردّد شد. مردم به شیخ خضر بن شلال عفاکوی رجوع کردند و ایشان شیخ علی کاشف الغطاء را اعلم اعلام کرد و به این ترتیب ریاست و مرجعیت عامه به ایشان رسید. بنگرید: حرز‌الدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء والأدباء، ج ۲، ص ۹۵.

۳. کاشف الغطاء، النور الساطع فی الفقه النافع، ج ۱، ص ۱۱۸.

۱۷. شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر (در گذشته ۱۲۶۶):

ایشان در بحث از عدم وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت، با استشهاد به مواضعی از صحیفه سجادیه، از این کتاب با عنوان قابل توجه «الصحیفة المعلوم أنّها من السجادة النبویة» یاد کرده است.^۱

۱۸. محدث نوری (در گذشته ۱۳۲۰):

ایشان در بحثی درباره نهج البلاغه فرموده است:

«... تفتخر به الشيعة، وتبتهج به الشريعة، المنعوت في كثير من الإجازات بأخ القرآن في قبال أخته التي هي الصحیفة الكاملة السجادية»^۲

شیعه به آن (نهج البلاغه) مباهات کرده و دین خدا به آن شادمان است؛ در بسیاری از اجازات، آن را برادر قرآن نامیده‌اند، در قبال خواهر قرآن که همان صحیفه کامله سجادیه است.

۱۹. فاضل مازندرانی (در گذشته ۱۳۲۵):

ایشان درباره بی‌نیازی زیارت عاشورا و برخی ادعیه دیگر از ملاحظه سند چنین گفته است:

«أَنَّ هَذِهِ الزِّيَارَةَ الشَّرِيفَةَ صَارَتْ عِنْدَ الشَّيْعَةِ مِنَ الْأَصُولِ الْمَوْضُوعَةِ الْمَقْرَّرَةِ وَالشَّعَائِرِ الْعَظِيمَةِ، بَحِثْ لَا تَحْتَاجُ إِلَى مُلَاحَظَةِ السَّنَدِ كَالصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ، وَالْمُنَاجَاةِ الْأَنْجِيلِيَّةِ الطَّوِيلَةِ، وَدَعَاءِ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ وَ أَمْثَالِ ذَلِكَ، وَمَا هَذَا شَأْنُهُ لَا يَنْظُرُ فِي سَنَدِهِ، لِأَنَّهُ مِنَ الْقَضَايَا الَّتِي قِيَاسًا مَعَهَا»^۳

این زیارت شریف نزد شیعیان، از اصول وضع شده مقرر و شعائر با عظمت است، به نحوی که نیازی به ملاحظه سند آن وجود ندارد؛ مانند صحیفه کامله سجادیه و مناجات بلند انجیلیه و دعای ابی حمزه ثمالی و امثال این‌ها؛ امری که

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۵۸.

۲. نوری، خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۲۰۴.

۳. فاضل مازندرانی، شرح زیارة عاشوراء، ص ۵۰-۵۱.

چنین شأن و مقامی داشته باشد، به سند آن نگاه نمی‌شود، چرا که احتیاجی به استدلال و دلیل و برهان ندارد.

۲۰. سید محسن امین عاملی (درگذشته ۱۳۷۱):

«وبلاغة ألفاظها وفصاحتها التي لا تبارى، وعلو مضامينها وما فيها من أنواع التذلل لله تعالى والثناء عليه والأساليب العجيبة في طلب عفوه وكرمه والتوسل إليه أقوى شاهد على صحة نسبتها. وإنّ هذا الدرّ من ذلك البحر، وهذا الجوهر من ذلك المعدن، وهذا الثمر من ذلك الشجر؛ مضافاً إلى اشتهارها شهرة لا تقبل الريب و تعدّد أسانيدھا المتّصلة إلى مُنشئها صلوات الله عليه وعلى آبائه و أبنائه الطاهرين فقد رواها الثّقات بأسانيدهم المتعدّدة المتّصلة إلى زين العابدين عليه السلام»^۱

شیوایی الفاظ صحیفه سجادیه و فصاحت و زیبایی بی نظیر صحیفه سجادیه، مضامین بلند آن، انواع خاکساری برای پروردگار و ستایش او، اسلوب شگفت در طلب بخشش و کرم خداوند و توسل به او که در این صحیفه وجود دارد، همه، قوی‌ترین شاهد بر درستی نسبت آن به امام زین العابدین است، و نشان می‌دهد که این مروارید از آن دریا و این گوهر از آن معدن و این میوه از آن درخت است؛ علاوه بر این، شهرت صحیفه چنان است که قابل تردید نیست و اسانید آن نیز تا گوینده‌اش - که صلوات خدا بر او و بر پدران و فرزندان پاکش باد- به هم پیوسته و متصل است. این صحیفه را راویان مورد اعتماد، با اسانیدی متصل تا امام زین العابدین عليه السلام روایت نموده‌اند.

۲۱. سید شرف‌الدین عاملی (درگذشته ۱۳۷۷):

«ومن أفضل ما ألف في ذلك العصر، مصباح آل محمد صلوات الله وسلامه عليه و زبور أهل البيت؛ ألا و هو الصحيفة الكاملة للإمام زين العابدين سلام الله عليه، و هي كالنور على الطور، كتبها الباقر بإملاء أبيه عليه السلام، و كان الصادق عليه السلام يقبلها و يضعها على عينيه و يقول: هذا خطّ أبي وإملاء جدّي عليه السلام»

۱. امین عاملی، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۶۳۸.

بمشهد منّی... و کان اهل البيت یصونونها إلا عن شیعتهم؛ مخافة أن یقع هذا العلم إلى أعدائهم، فینسبونه إلى غیرهم»^۱

از برترین آثاری که در صدر اسلام نوشته شد، چراغ آل محمد علیهم السلام، و زبور اهل بیت، صحیفه کامله امام زین العابدین بود که سلام خدا بر او باد. این کتاب چون نوری بر کوه طور است؛ امام باقر آن را به املاء پدر بزرگوارشان علیه السلام نوشت، و امام صادق علیه السلام آن را می‌بوسید و بر چشمانش می‌نهاد و می‌فرمود: این خط پدرم و املائی جدّم است که در حضور من نوشته شده است... اهل بیت علیهم السلام این صحیفه را از غیر شیعیانشان حفظ می‌کردند، از بیم آن که این علم به دست دشمنانشان بیفتد و آن را به فردی غیر از خود معصومان نسبت دهند.

۲۲. آیت الله سیدحسین طباطبایی بروجردی (درگذشته ۱۳۸۰):

«ولا یخفی أنّ کون الصحیفه من الإمام علیه السلام من البدیهیات، وهی زبور آل محمد علیهم السلام، یشهد بذلك أسلوبها و نظمها و مضامینها التي یلوح منها آثار الإعجاز، و لها أسناد ذکرها الشیخ و النجاشی، و لشارحها السید علیخان (قدس سره) أيضاً سند عن آباءه، ولنا أيضاً سند آخر إليها»^۲ بدیهی است که صحیفه سجادیه از امام سجاده علیه السلام است و این امری پوشیده نیست. این کتاب زبور آل محمد است؛ اسلوب، نظم و مضامینش که آثار اعجاز از آن نمایان است به درستی این نسبت گواهی می‌دهد. صحیفه اسنادی دارد که شیخ طوسی و نجاشی آن را آورده‌اند. سید علی خان مدنی شارح صحیفه نیز سندی را از پدرانش آورده و ما نیز سند دیگری به صحیفه داریم.

۲۳. آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (درگذشته ۱۴۱۱):

ایشان در مقدمه‌ای که بر صحیفه سجادیه نوشته چنین می‌نویسد:

۱. شرف الدین، مؤلفو الشیعة فی صدر الإسلام، صص ۳۰ و ۳۱.

۲. البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر، ص ۴۰ و ۴۱.

«لا شبهة في تواتر الصحيفة لدى فرق الشيعة من الإمامية والزيدية والإسماعيلية، و لهم عليها شروح و تعليقات»^۱

هیچ شبهه‌ای در تواتر صحیفه سجادیه نزد شیعیان امامی، زیدی و اسماعیلی نیست. آنان شرح‌ها و تعلیق‌هایی نیز بر این صحیفه دارند. لازم به یادآوری است که مقدمه یاد شده آیت الله مرعشی، بسیار ارزشمند و حاوی نکاتی فراوان و عمیق است.

کتابنامه

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول، ۱۳۷۸ق. ابن ادریس، حاشية الصحيفة السجادية، تحقیق سید محمد مهدی موسوی خراسان، نشر العتبة العلوية المقدسة، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، قم، بی‌نا، بی‌تا. ----- مناقب آل ابی طالب، تحقیق و تصحیح: لجنة من أساتذة النحف الأشرف، نشر المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، ۱۳۷۶ق.

افندی اصفهانی، عبدالله، تعلیقة أمل الآمل، تحقیق: سید احمد حسینی، مکتب آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

امین عاملی، سید محسن، أعيان الشيعة، تحقیق حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت. جزائری، نعمت الله، نورالانوار فی شرح الصحيفة السجادية، دارالحجّة البيضاء، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۴۲۰. جعفریان، رسول، دوازده رساله درباره نماز جمعه از روزگار صفوی، انتشارات انصاریان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ش. حافظیان، ابوالفضل، عالمان صحیفه نگار، نشریه سفینه، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۷، صص ۱۰۹-۱۱۶. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

----- الفوائد الطوسية، تحقیق: سید مهدی لازوردی و محمد درودی، قم، ۱۴۰۳ق. ----- هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۲ق. حرزالدین، محمد، معارف الرجال فی تراجم العلماء والأدباء، نشر کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۵ق.

حکیم، محمدحسین، حاشية الصحيفة السجادية: محمد بن منصور بن ادریس حلّی، میراث حدیث شیعه، دفتر بیستم،

۱. مشکات و مرعشی، همان، ص ۴۶.

صص ۲۵۹-۳۷۲.

شبر، سيد عبدالله، الأنوار اللمعة في شرح الزيارة الجامعة، مؤسسة الوفاء، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
شرف‌الدين، عبدالحسين، مؤلفو الشيعة في صدر الإسلام، تقديم و اشراف: السيد أحمد الحسيني، مكتبة الأندلس، بغداد، ۱۳۸۵ ق.

صدوق، محمد بن علي، علل الشرايع، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، مكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۵ ق.

کمال الدين و تمام النعمة، تحقيق: علي اکبر غفاري، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ۱۴۰۵ ق.

صغير عاملی، علي بن زين الدين بن محمد، شرح الصحيفة السجادية، تحقيق علي فاضلي، تهران، سازمان تبليغات اسلامي، پژوهشکده باقر العلوم، چاپ اول، شعبان ۱۴۳۱.

طوسی، محمد بن الحسن، اختيار معرفة الرجال، تحقيق: سيد مهدي رجائي، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، قم، ۱۴۰۴ ق.

الأملی، تحقيق مؤسسة البعثة، نشر دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

طهرانی، محمدمحسن، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، دارالاضواء، بيروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

طبقات أعلام الشيعة، تحقيق علي نقی منزوی، نشر اسماعيليان.

فاضل مازندرانی، عبدالرسول، شرح زيارة عاشوراء، تحقيق سيد حسن موسوی درازی، نشر دارالصدیقة الشهيدة، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.

فيض كاشاني، تعليقات على الصحيفة السجادية، تحقيق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، نشر مؤسسة التحقيقات والبحوث الثقافية، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.

فهرست‌های خود نوشت فیض كاشانی، تحقيق محسن ناجی نصرآبادی، بنیاد پژوهش‌های

اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

قمی، میرزا ابوالقاسم، القوانين المحكمة في الأصول المتقنة، تحقيق رضا حسين صبح، نشر احياء الكتب الاسلامية، قم، ۱۴۳۰.

كاشف الغطاء، علي، النور الساطع في الفقه النافع، نجف، ۱۳۸۱ ق.

كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاري، دارالكتب الاسلامية، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، چاپ دوم، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

حق اليقين، انتشارات اسلاميه، تهران.

الفرائد الطريفة في شرح الصحيفة الشريفة، تحقيق سيد مهدي رجائي، مكتبة العلامة المجلسي،

اصفهان، ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، تحقيق و تعليق سيد حسين موسوی كرماني و شيخ علي پناه اشتهاړدی، نشر بنیاد فرهنگ اسلامي حاج محمد حسين كوشانپور.

شرح الصحيفة السجادية، تحقيق علي فاضلي، تهران، سازمان تبليغات اسلامي، پژوهشکده

باقر العلوم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

مدنی شیرازی، سید علی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین علیه السلام، تحقیق سید محسن حسینی امینی، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

مشکات و مرعشی، مقدمتان توثیقین حول الصحیفة السجادية، علوم الحدیث، جمادی الثانية ۱۴۱۹، العدد ۳، صص ۱۶-۵۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری و سید محمود زرندی، دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

الأمالی، تحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری، دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

منتظری، حسینعلی، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر (تقیراً لأبحاث سماحة المرحوم آية الله العظمى الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی)، نشر دفتر آیت الله منتظری، قم، چاپ سوم، رمضان ۱۴۱۶ ق.
میرداماد، محمدباقر، شرح الصحیفة السجادية الكاملة، تحقیق سید مهدی رجائی، نشر بهار قلوب، اصفهان، چاپ دوم، شعبان ۱۴۲۲.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.

نوری، حسین، خاتمة المستدرک، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
وحید بهبهانی، محمدباقر، تعلیقة علی منهج المقال، بی تا، بی نا، بی جا.

الحاشیة علی مدارک الأحکام، تحقیق: مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث، نشر مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ ق.

الفوائد الرجالية، بی تا، بی نا، بی جا.

مصایب الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع، تحقیق مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.

یزدی، قاضی بن کاشف الدین، التحفة الرضوية للصحیفة السجادية، تحقیق علی فاضلی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، چاپ اول، ذی الحجة ۱۴۳۰.